

فصل سوم: اقتصاد، رشد و پیشرفت

فصل سوم: اقتصاد، رشد و پیشرفت

اگر مجموعه فعالیت‌های اقتصادی را به یک میدان بازی تشبیه کنیم، این بازی اصول و قوانینی دارد که قرار گرفتن و به کار بستن آن، شرط موفقیت است.

- ❖ بازیگران اصلی عرصه اقتصادی
- خانوارها
- بنگاه‌ها
- دولت‌ها
- سازمان‌ها (چه در داخل چه در خارج از کشور)

- ❖ برای اندازه‌گیری و سنجش موفقیت یا عدم موفقیت در عرصه اقتصادی از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌شود.
- ❖ برای اندازه‌گیری سنجش موفقیت می‌توان از معیارهایی مانند رشد یا پیشرفت استفاده کرد.
- ❖ برای اندازه‌گیری سنجش عدم موفقیت می‌توان از معیارهایی مانند رکود، بیکاری بی‌عدالتی استفاده کرد.
- ❖ اقتصاددانان تلاش کرده‌اند، موفقیت یا عدم موفقیت اقتصادی را به وسیله شاخص‌ها و معیارهایی اندازه‌گیری کنند.

نکته: پاسخ به این پرسش که کدام کشور پیشرفته‌تر از دیگری است و کدام عقب مانده‌تر است کار چندان ساده‌ای نیست.

شاخص‌های سنجش موفقیت یا عدم موفقیت در عرصه فعالیت‌های اقتصادی	
شاخص‌های موفقیت	شاخص‌های عدم موفقیت
رشد	رکود
پیشرفت اقتصادی	بیکاری
توزیع عادلانه ثروت	بی‌عدالتی

فصل سوم: اقتصاد، رشد و پیشرفت

درس ۸: رکود، بیکاری و فقر

طرح مسئله

- با مفاهیمی مانند رکود، بیکاری و فقر آشنا می‌شویم.
- بسیاری از کسب و کارها در گذشته رونق داشتند ولی امروزه خبری از آنها نیست و فراموش شده‌اند. (مثل پنبه‌زنی و درست کردن تشک و لحاف)

در نتیجه، تولیدات شرکت‌ها و کارخانه‌ها کاهش می‌یابد و اقتصاد کشور گرفتار رکود شد و به این ترتیب اشتغال کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد.

- تغییر در فناوری‌های صنعتی
- تغییر در رویه‌های تولید
- ضعف ساختار اقتصادی
- قاچاق و واردات بی‌رویه
- تحریم‌های اقتصادی

عوامل مؤثر بر از دست دادن شغل و شکل‌گیری بیکاری

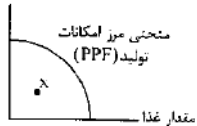
نکته: تغییر فناوری، از سویی باعث ایجاد مشاغل جدید و از سویی دیگر موجب از بین رفتن برخی مشاغل می‌شود.

منابع غیرفعال و منحنی مرز امکانات تولید

- ✓ با کاهش تولید و پدید آمدن رکود ← نیاز به عوامل تولید (سرمایه، منابع، نیروی انسانی و کارآفرینی) نیز کم تر می‌شود. برای مثال کارخانه‌ها، کارگر کم تری نیاز دارند و سرمایه کم تری مورد استفاده قرار می‌گیرد

تولیدات کارخانه به فروش نمی‌رسد اقتصاد دارای منابع بیکار است. از منابعی که می‌توانستیم کالا و خدمات تولید کنیم هیچ استفاده‌ای نمی‌شود.

مقدار بقیه کالاها



- ✓ وجود منابع بیکار سبب می‌شود که کشور در زیر مرز امکانات تولید قرار گیرد. (نقطه X)

- ✓ دلایل مختلفی برای قرار گرفتن در درون مرز امکانات تولید (الف) بسته شدن برخی از کارخانه‌ها (ب) بیکاری بعضی از کارگرها
- به جای قرار گرفتن در روی آن وجود دارد. مثل

نکته: وقتی یک اقتصاد منابع غیرفعال دارد، به راحتی می‌تواند با استفاده از آن منابع غیرفعال کالا و خدمات زیادی تولید کند.

فعالیت فردی در کلاس

در درس‌های گذشته راجع به منحنی امکانات تولید سخن گفتیم. باتوجه به مفهوم آن تحلیل کنید که چرا این جمله صحیح است؛ «وقتی یک اقتصاد منابع غیرفعال دارد، هیچ احتیاجی به انتقال منابع از تولید یک کالا به تولید کالای دیگر نیست».

پاسخ: در درس‌های گذشته گفتیم که اگر تولید بر روی منحنی مرز امکانات تولید باشد، یعنی از منابع به طور کامل استفاده می‌کنیم و اگر بخواهیم کالای دوم را بیش تر تولید کنیم باید از تولید کالای اول بکاهیم. حالا اگر تولید در زیر منحنی مرز امکانات تولید باشد، یعنی از منابع تولید به خوبی استفاده نمی‌شود و برای تولید بیش تر هیچ احتیاجی به انتقال منابع نداریم.

اشتغال و بیکاری

- تعریف شاغل ← کسانی که در ازای کاری که انجام می‌دهند، دستمزد یا حقوق می‌گیرند، شاغل محسوب می‌شوند.

- شغل می‌تواند
 - تمام وقت ← باشد.
 - پاره‌وقت

- تمام کسانی که شغلی ندارند، بیکار محسوب نمی‌شوند.

- بیکار ← کسی است که بالاتر از ۱۵ سال سن دارد و در جست‌وجوی کار است؛ اما کاری برای خود پیدا نمی‌کند.

- دانش‌آموزان بالای ۱۵ سال

- گروه‌هایی که بالای ۱۵ سال هستند ولی بیکار محسوب نمی‌شوند (جمعیت غیرفعال)
- دانشجویان
- بازنشستگان

تقسیم‌بندی جمعیت از نظر اشتغال و بیکاری

- کل جمعیت
- جمعیت پایین‌تر از ۱۵ سال
- جمعیت ۱۵ سال و بالاتر
- جمعیت غیرفعال مانند (دانشجویان و دانش‌آموزان بالای ۱۵ سال و...)
- جمعیت فعال
- جمعیت فعال شاغل
- جمعیت فعال غیرشاغل (بیکار)

- اگر تعداد افراد شاغل و بیکار را با هم جمع کنیم، جمعیت فعال جامعه به دست می‌آید.
- جمعیت فعال ← افراد بالای ۱۵ سال هستند که یا مشغول به کارند یا به دنبال کار می‌گردند.
- جمعیت غیرفعال ← افرادی هستند که در سن کار (بالای ۱۵ سال) قرار دارند، ولی شاغل یا بیکار نیستند.
- جمعیت شاغل ← افراد بالای ۱۵ سال که در ازای انجام کار دستمزد و حقوق دریافت می‌کنند.
- جمعیت بیکار ← کسانی که بالاتر از ۱۵ سال سن دارند و در جست‌وجوی کار هستند، اما کاری پیدا نمی‌کنند.

- فرمول‌ها و روابط حاکم بر جمعیت فعال، شاغل و بیکار
- جمعیت بیکار = جمعیت فعال - جمعیت شاغل
- جمعیت شاغل = جمعیت فعال + جمعیت بیکار
- جمعیت غیرفعال = جمعیت فعال + جمعیت بیکار

نرخ بیکاری

- اساسی‌ترین شاخص ارزیابی وضعیت اشتغال کشور، «نرخ بیکاری» است.
- نرخ بیکاری از نسبت تعداد بیکاران به کل جمعیت فعال کشور، ضرب در صد به دست می‌آید.

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{تعداد شاغلین}}{\text{تعداد شاغلین} + \text{تعداد بیکاران}} \times 100$$

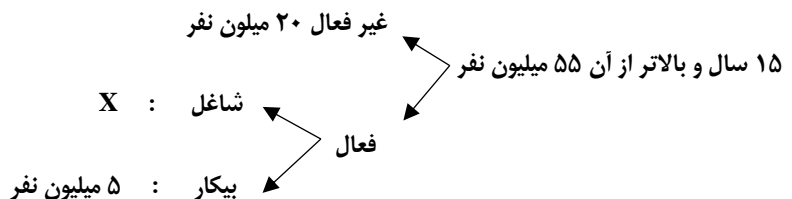
نکته:

در فرمول‌هایی که عدد نرخ بیکاری یا اشتغال آمده است، درصد آن‌ها را نمی‌گذاریم. مثلاً ۲۵ درصد را فقط ۲۵ آن را می‌نویسیم.

مثال: کل جمعیت یک کشور ۹۰ میلیون نفر است. از این تعداد، ۳۵ میلیون نفر زیر ۱۵ سال سن دارند. جمعیت ۱۵ سال و بالاتر از آن ۵۵ میلیون نفر است. اگر جمعیت غیرفعال ۲۰ میلیون نفر باشد و جمعیت بیکار ۵ نفر باشد، الف) جمعیت فعال را محاسبه کنید. ب) جمعیت شاغل چقدر است؟ پاسخ:

جمعیت فعال ← ۵۵ - ۲۰ = ۳۵
 جمعیت شاغل ← ۳۵ - ۵ = ۳۰

کل جمعیت ۹۰ میلیون نفر
 پایین‌تر از ۱۵ سال ۳۵ میلیون نفر



مثال ۲: جمعیت یک کشور فرضی ۴۹ میلیون نفر است. از این تعداد ۱۹ میلیون نفر کم‌تر از ۱۵ سال سن دارند. تعداد شاغلان ۱۸ میلیون نفر و تعداد بیکاران ۱۲ میلیون نفر است، نرخ بیکاری را محاسبه کنید.

فصل سوم: اقتصاد، رشد و پیشرفت

چرا بیکاری را بیش تر از آن چه اعلام می شود، احساس می کنیم؟

- ① طبق تعریف، کسانی را که از جست و جوی شغل دلسرد شده اند، بیکار محسوب نمی کنند؟
- ② همه کسانی را که به صورت پاره وقت مشغول به کارند شاغل به حساب می آورند، در حالی که آن ها در جست و جوی شغل تمام وقت هستند و خود را شاغل به حساب نمی آورند.
- ③ همه کسانی را که در غیر از زمینه تخصصی شان مشغول به کار و فعالیت باشند، شاغل محسوب می کنند.
- ④ برخی افراد نیز ممکن است به دلایلی مانند اشتغال در بخش غیررسمی یا به امید بهره مندی از بیمه بیکاری و ... با مأمور آمارگیری درباره وضعیت شغلی خود با صداقت برخورد نکنند.

✓ آن چه در سنجش تعداد بیکاران اتفاق می افتد، گاهی با احساس عمومی جامعه از بیکاری سازگار نیست؛ چراکه

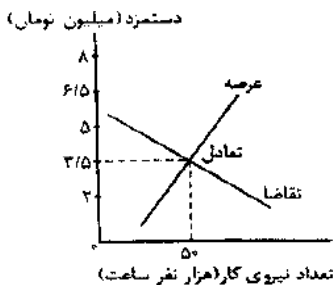
✓ دلایل بالا سبب می شود که نرخ بیکاری از مقدار واقعی اش فاصله داشته باشد ولی در هر صورت هم چنان بهترین سنجه برای مشخص شدن وضعیت بیکاری در جامعه است.

بازار نیروی کار

(↑ قیمت = عرضه ↑، ↓ قیمت = تقاضا ↓)

- ◆ نیروی کار در اقتصاد دارای بازار است.
- ◆ در بازار کالا، مقدار عرضه یا تقاضای یک کالا با قیمت آن در ارتباط است.
- ◆ در بازار نیروی کار، قیمت نیروی کار (دستمزد) با میزان تقاضا یا عرضه نیروی کار ارتباط دارد.
- ◆ عرضه کننده نیروی کار، همان کارگرانی هستند که با نیروی بدنی و یا فکری خود، محصول یا خدمتی را تولید می کنند و حاضرند کار خود را در اختیار تقاضاکنندگان کار قرار دهند. (عرضه کنندگان نیروی کار، خانوارها هستند)
- ◆ تقاضاکنندگان نیروی کار ← صاحبان شرکتها و کارخانهها یا سرمایه گذاران هستند که نیروی کار را استخدام می کنند و گاهی در اقتصاد به آن ها «کارفرما» نیز می گویند. (تقاضاکنندگان نیروی کار، بنگاهها هستند).
- ◆ تقاضاکننده نیروی کار دولت، صاحبان صنایع و شرکتها و یا سرمایه گذاران هستند که نیروی کار استخدام می کند.
- ◆ در اقتصاد به تقاضاکنندگان نیروی کار «کارفرما» می گویند.
- ◆ عامل ایجاد هماهنگی و تعادل در بازار نیروی کار، قیمت نیروی کار است «دستمزد»

فعالیت گروهی در کلاس



در نمودار زیر، مقدار و قیمت (دستمزد) تعادلی در یک بازار نیروی کار، نشان داده شده است. در دستمزد پنج میلیون تومانی (برای هر ماه)، بازار دارای مازاد عرضه است و در قیمت دو میلیون تومانی، بازار با مازاد تقاضا روبه روست.

- ۱- تحلیل کنید که مازاد عرضه و تقاضا در بازار به چه معناست.
 - ۲- چگونه مقدار و قیمت در بازار نیروی کار به حالت تعادلی باز می گردد؟
- پاسخ:

- ۱) با توجه به نمودار، در قیمت ۳/۵ میلیون تومان، میزان عرضه نیروی کار و تقاضای نیروی کار (توسط کارفرمایان) به تعادل رسیده است، یعنی هم کارفرما از پرداخت این حقوق راضی است و هم کارگران با این حقوق راضی به کار هستند.
- ۲) بازار عرضه و تقاضا با توجه به قیمت به تعادل می رسد، اگر قیمت بالاتر از قیمت تعادلی باشد، عرضه افزایش می یابد و اگر قیمت پایین تر از قیمت تعادلی باشد، تقاضا افزایش می یابد.
- ◆ در نمودار ترسیم شده، در قیمت ۵ میلیون تومان عرضه نیروی کار زیاد است ولی تقاضا برای جذب نیروی کار کم است پس بازار نیروی کار با مازاد عرضه نیروی کار روبه رو می شود و می توان گفت در تمام قیمت های بالاتر از قیمت تعادلی بازار با مازاد عرضه نیروی کار روبه رو است.
- ◆ در قیمت های پایین تر از قیمت تعادلی (۳/۵) تقاضا برای جذب نیروی کار زیاد است ولی عرضه نیروی کار کم است، پس بازار نیروی کار با مازاد تقاضا برای جذب نیروی کار روبه روست.
- ◆ به طور خلاصه می توان گفت رابطه قیمت (دستمزد) با تقاضای نیروی کار معکوس است، یعنی هر چه دستمزد پایین تر باشد، تقاضا برای استخدام نیروی کار

فصل سوم: اقتصاد، رشد و پیشرفت



مازاد عرضه نیروی کار ← زیادی نیروی کار نسبت به تقاضا ← علت بالا بودن دستمزد نسبت به دستمزد تعادلی ← پیامد کاهش دستمزد درخواستی توسط کارگران تا سطح دستمزد تعادلی
کمبود عرضه نیروی کار ← کم بودن نیروی کار نسبت به تقاضای بنگاه‌ها ← علت پایین بودن دستمزد نسبت به دستمزد تعادلی ← پیامد افزایش دستمزد توسط بنگاه‌ها تا سقف دستمزد تعادلی

انواع بیکاری

▪ بیکاری به دلایل مختلفی می‌تواند به وجود آید. اقتصاددانان انواع بیکار را با توجه به دلایل آن دسته‌بندی می‌کنند.

- **بیکاری اصطلاحی:** این نوع بیکاری شامل کسانی می‌شود که **شغل قبلی خود را به دلایلی رها کرده** و به امید یافتن شغلی بهتر در جست‌وجو هستند، هم‌چنین شامل کسانی است که **به تازگی در حال ورود** به بازار کار هستند. این نوع بیکاری کوتاه مدت است و در همه کشورهای وجود دارد.
- **بیکاری فصلی:** زمانی اتفاق می‌افتد که کارگران به دلیل **تغییرات فصلی** شغل خود را از دست می‌دهند، مانند برخی کارگران ساختمانی و کشاورزان در فصل زمستان
- **بیکاری ساختاری:** بیکاری‌ای که ناشی از **عدم تطبیق** بین افراد جویای کار و انواع شغل‌های موجود به دلایلی از جمله عدم تطابق مهارت-هاست، مثلاً نیروی کار ساده در اقتصاد وجود دارد؛ ولی نیروی کار متخصص مورد نیاز است.
- **بیکاری دوره‌ای:** بیکاری‌ای که هنگام **رکود اقتصادی** رخ می‌دهد. در دوره رکود، تولید کاهش می‌یابد و به همین دلیل شرکت‌ها استخدام خود را متوقف می‌کنند یا بخشی از نیروهای خود را بیکار می‌کنند.

انواع بیکاری

بیش تر بدانیم

آیا نرخ بیکاری صفر هم داریم؟

در هیچ جامعه‌ای نرخ بیکاری صفر نمی‌شود؛ چون همواره در جامعه بیکاری اصطلاحی، فصلی، ساختاری و دوره‌ای وجود دارد. اقتصاددانان این میزان از بیکاری را که همیشه در جامعه وجود دارد نرخ طبیعی بیکاری قلمداد می‌کنند و این نرخ در هر اقتصاد سالمی دیده می‌شود.

بیکاری و رکود چه پیامدهایی دارد؟

- ① خانواده درآمد خود را از دست می‌دهد.
- ② بسیاری از بیکاران، بیمه خدمات درمانی خود را از دست می‌دهند.
- ③ اگر خانواده هیچ دستمزد (درآمد) دیگری نداشته باشد، مجبور است **پس‌انداز** خود را برای تهیه غذا، پوشاک و مسکن استفاده کند و یا قرض کند.
- ④ خانواده برای تأمین **هزینه‌های غیرمترقبه** مانند درمان و یا تعمیر خرابی‌های لوازم منزل ناتوان می‌شود.
- ⑤ بیکاری می‌تواند باعث **بروز اختلافات خانوادگی** شود.
- ⑥ بیکاری می‌تواند باعث **افزایش جرم و جنایات** در جامعه شود.
- ⑦ بیکاری **تأثیر منفی بر بودجه دولت** می‌گذارد، چون میزان بالای بیکاری، دولت را مجبور می‌کند تا پول بیش تری را صرف برنامه‌های اجتماعی مانند بیمه بیکاری و کمک به تغذیه خانواده‌های نیازمند کند؛ در حالی که درآمد مالیاتی دولت به دلیل بیکار بودن کارگران و کاهش تولید شرکت‌ها کاهش یافته است.

- بیکاری مشکلات زیادی برای فرد بیکار، خانواده او و جامعه دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از

فقر

➤ فقر یکی از پیامدهای غم‌انگیز بیکاری و رکود است.

بسیاری از کشورهای جهان درگیر مسائل مرتبط با **فقر و نابرابری** هستند، حتی کشورهای با درآمد بالا نیز دست به گریبان نابرابری‌های اقتصادی‌اند.

- شاخص‌های اندازه‌گیری فقر، بسیار نسبی است یعنی از زمانی به زمان دیگر، از فردی به فرد دیگر و از مکانی به مکان دیگر متفاوت است.
- کافی بودن یا نبودن شاخص‌های تعیین فقر به وضعیت نسبی رفاه اقشار جامعه، گروه‌ها و طبقات مختلف مردم بستگی دارد. ممکن است میزانی از این شاخص‌ها که برای یک گروه کافی به نظر می‌رسد، برای گروه دیگر ناکافی باشد. این وضعیت باعث شکل‌گیری بررسی دو نوع فقر شده است.

- **تعریف** ← در فقر نسبی افراد نسبت به یکدیگر مقایسه می‌شوند. در این نوع از فقر همیشه تعریف فقر نسبت به وضعیتی که فرد در آن قرار دارد، بررسی می‌شود.
- **فقر نسبی** مثال ← ممکن است میزانی از «سلامت» که برای خانوارهای یک ناحیه روستایی مطلوب و ایده‌آل است. برای خانوارهای شهری ناچیز تلقی شود و براین اساس آن‌ها خود را فقیر بدانند.

- زمانی به زمان دیگر
 - مکانی به مکان دیگر ← مقاومت است.
 - جامعه‌ای به جامعه دیگر
- باتوجه به مفهوم فقر نسبی می‌توان گفت ← محاسبه تعداد افراد فقیر بسیار پیچیده، سخت و شاید ناممکن است، چون فقر نسبی از

- باتوجه به مفهوم فقر نسبی، می‌توان گفت که محاسبه تعداد افراد فقیر بسیار پیچیده و سخت است.
- چون محاسبه افراد فقیر بر اساس شاخص فقر نسبی بسیار سخت است → لذا از مفهوم فقر مطلق استفاده می‌شود.
- باتوجه به شاخص فقر مطلق می‌توان معیاری را برای سنجش میزان فقر در نظر گرفت.
- در کل جهان ۱/۴ میلیارد نفر در فقر مطلق به سر می‌برند.
- مطابق با معیار بانک جهانی افرادی که زیر ۱/۹ دلار در روز درآمد دارند (در شاخص فقر مطلق، ارزش دلار، از طریق روش برابری قدرت خرید (PPP) محاسبه می‌شود)، زیر خط فقر مطلق اند.
- **فقر مطلق**، وضعیتی است که فرد از تأمین احتیاجات اولیه زندگی خود مانند خوراک، پوشاک، مسکن و بهداشت ناتوان است.
- معیار سنجش فقر مطلق، شاخص‌هایی مانند: ① تولید ناخالص داخلی ② درآمد سرانه کشورها است.
- برای رتبه‌بندی کشورها از نظر فقر از دو شاخص **درآمد سرانه** یا **تولید ناخالص داخلی** استفاده می‌شود.

نکات تکمیلی

نرخ دلار رفاهی (PPP)

نرخ دلار رفاهی به این شکل محاسبه می‌شود، یک سید کالایی یکسان، سالانه در کشور X (مثلاً ایران) قیمت‌گذاری، و هم‌زمان همان سید کالایی در کشور آمریکا تعیین قیمت می‌شود. تقسیم این دو قیمت بر هم، قدرت خرید دلار را در ایران نشان می‌دهد. این دلار سالانه توسط سازمان‌های بین‌المللی محاسبه و اعلام می‌شود و ارتباط مستقیم به نرخ دلار موجود در بازار ارز ندارد.

مثال: در کشور ما در طول سال گذشته، قیمت متوسط سیب زمینی ۴ هزار تومان، قیمت دارو ۳ هزار تومان، قیمت اجاره خانه ۱۶ هزار تومان، قیمت میوه ۳ هزار تومان بوده است. طی همین سال قیمت کالا و خدمات بالا به ترتیب در کشور آمریکا برابر با ۳ دلار، ۱/۵ دلار، ۸ دلار و ۱/۵ دلار بوده است. ارزش دلار رفاهی «PPP» را در ایران مشخص کنید.

$$\frac{4000 + 3000 + 16000 + 3000}{2 + 1/5 + 8 + 1/5} = 2000 \leftarrow \text{دلار رفاهی (PPP)}$$

دولت و مسئله بیکاری و فقر

عوامل ایجاد بیکاری و فقر در کشور را می‌توان ← از درد دل و صحبت‌های کارآفرینان و صاحبان شرکت‌ها و صنایع تولیدی فهمید.

- قاجاق کالاهای خارجی به کشور
- واردات بی‌رویه کالاهای خارجی
- بالا بودن نرخ بهره وام‌های بانکی برای تولیدکنندگان
- نبود فضای مناسب کسب و کار
- عوامل اصلی ایجاد فقر و شکل‌گیری بیکاری
- عواملی که باعث شکل‌گیری فضای نامناسب کسب و کار و بی‌ثباتی آن می‌شوند عبارتند از:

فصل سوم: اقتصاد، رشد و پیشرفت

- ◊ عوامل یاد شده باعث می شود تا تولیدکنندگان، بخشی از نیروی کار خود را اخراج کنند یا دستمزد آن‌ها را کاهش دهند، حتی برخی از آن‌ها ممکن است کارگاه یا کارخانه تولیدی‌شان را تعطیل کنند.
- ◊ در اقتصاد ایران بی ثباتی قیمت ها بر بی ثباتی بازار کار و فعالیت های اقتصادی اثر منفی قابل توجهی گذاشته و یکی از عوامل مهم بیکاری و رکود به شمار می رود.
- یکی از وظایف دولت ها در هر کشور ← (۱) اجرای سیاست های فقر زدایی (۲) برقراری عدالت است.

- ◊ دولت‌ها به دو شکل با فقر و بیکاری مقابله می کنند
- حمایت از شرکت‌های تولیدی
- مبارزه با فساد

مسئولیت اجتماعی مردم

- مردم برای حفاظت از پیشرفت‌های اقتصادی خود در مقابل ویروس فقر مسئولیت دارند. آن‌ها می‌توانند با استفاده از روش‌های زیر، از یکدیگر در برابر خطر فقر و نابرابری، محافظت کنند:
- (۱) ایجاد نهادهای توانمندسازی
- (۲) ایجاد مؤسسات خیریه و کمک‌های مردمی
- (۳) تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه
- (۴) انجام فعالیت‌های جهادی

پیش تر بدانیم

- الگوی جهانی فقرزدایی
- بشاگرد از مناطق محروم کشور است.
- عبدالله والی برای کمک به مردم این منطقه سه سال خدمت و جهاد با اخلاص کرد.
- عبدالله والی ابتدا وضع موجود و امکانات منطقه را شناخت سپس با طراحی برنامه‌های درآمدزایی و توانمندسازی و با تشویق و حمایت همه‌جانبه از تولید تا مصرف به افزایش سطح زندگی مردم کمک کرد.
- مهم‌ترین تأثیر والی بر مردم منطقه بشاگرد ایجاد روحیه خودباوری در مردم و افزایش سطح آگاهی و توانمندی آن‌ها بوده است.

برای تفکر و تمرین

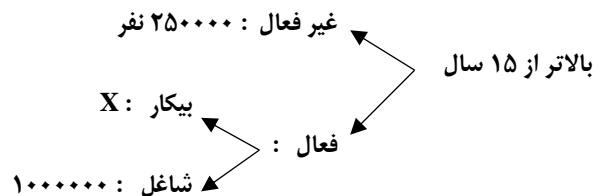
شرایط پیش آمده و واردات بی‌رویه تجهیزات کشاورزی، باعث شد تا آقای محمدی مجبور شود، بخشی از واحد تولیدی کارگاه خود را که مربوط به سموم زیستی بود، تعطیل کند. همین اتفاق در بسیاری از کارگاه‌ها و تولیدی‌های منطقه نیز رخ داد. آقای محمدی برای محاسبه نرخ بیکاری منطقه خودش به اطلاعات زیر دست یافته است. لطفاً محاسبه کنید که نرخ بیکاری در منطقه زندگی آقای محمدی چقدر است؟

جمعیت کل (نفر)	جمعیت زیر ۱۵ سال (نفر)	جمعیت غیرفعال (نفر)	جمعیت شاغل منطقه (نفر)
۱,۸۶۰,۰۰۰	۳۶۰,۰۰۰	۲۵۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰

پاسخ:

کل جمعیت: ۱۸۶۰۰۰۰ نفر

پایین تر ۱۵ سال ۳۶۰۰۰۰



$$۱۰۰ \times \frac{\text{جمعیت بیکار ۱۵ ساله و تر بیش}}{\text{جمعیت فعال ۱۵ ساله و تر بیش}} = \text{نرخ بیکاری}$$

$$۱,۸۶۰,۰۰۰ - ۳۶۰,۰۰۰ = ۱,۵۰۰,۰۰۰ \leftarrow \text{جمعیت بالای ۱۵ سال}$$

$$۱,۵۰۰,۰۰۰ - ۲۵۰,۰۰۰ = ۱,۲۵۰,۰۰۰ \leftarrow \text{جمعیت فعال بالای ۱۵ سال}$$